

## اهل صفه در گذرگاه تاریخ و قرآن

حسن احمدیان دلاویز / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام جامعه المصطفی العالمیه Delaviz59@yahoo.com

دریافت: ۹۴/۶/۲۹ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۹

### چکیده

پژوهش حاضر، عهده‌دار تبیین جایگاه، ویژگی‌ها و نحوه زندگی اهل صفه و پاسخ به برخی از شبهات، با در نظر گرفتن آیات قرآن و گزاره‌های تاریخی است. برای رسیدن به این مهم، از روش گردآوری اطلاعات و شیوه اسنادی استفاده شده است.

اصحاب صفه گروهی از مسلمانان صدر اسلام بودند که در کنار مسجد پیامبر در مدینه سکونت داشتند. کار عمده آنها عبادت بود و بیشترشان از نظر مالی جزو تهیدستان به‌شمار می‌آمدند. این گروه به واسطه تعلق خاص به انجام عبادات، ترک دنیا کرده بودند. تعداد ایشان، بر حسب مهاجرت، ازدواج و صاحب مسکن شدن متغیر بود. درباره فضیلت ایشان، روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صادر شده است. جمعی از مفسران، آیه ۲۷۳ سوره «بقره» را درباره این گروه می‌دانند. ایشان اهل جبهه و جهاد بودند و در بیشتر جنگ‌ها رسول خدا را همراهی می‌کردند.

**کلیدواژه‌ها:** اهل صفه، اصحاب صفه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مدینه، مسجدالنبی، مهاجران، سوره بقره.

## مقدمه

مانند نماز و روزه، ترک دنیا کرده بودند. تعداد ایشان، بر حسب مهاجرت، ازدواج و صاحب مسکن شدن متغیر بود. درباره فضیلت ایشان، روایاتی از پیامبر صادر شده است. درباره پیشینه این موضوع، نگاشته‌هایی وجود دارد؛ از جمله: مقالات «صفه‌نشینان مسجد پیامبر ﷺ»، اثر قاسم خانجانی (۱۳۸۵ و ۱۳۸۶)، و «اهل صفه در متون تاریخی و ادبی - عرفانی»، تألیف قدرت‌الله خیاطیان (۱۳۸۸) و نیز کتاب *رجحان الکفه فی بیان نبذة من اخبار اهل الصفه*، به قلم محمد بن عبدالرحمن سخاوی (۱۴۱۵ق) (از اهل سنت) و... البته محورهایی همچون توجه به روایات معصومان علیهم‌السلام، بررسی و تبیین آراء تفسیری و تاریخی دانشمندان شیعی و بیان برخی از مباحثی که در پژوهش‌های مشابه، یا به آنها توجهی نشده و یا به صورت اجمال بررسی گردیده‌اند (از جمله، چگونگی شکل‌گیری، فضایل اهل صفه، زمان اتمام این جریان، ترکیب جمعیتی اصحاب صفه و پاسخ به برخی از شبهات)، پژوهش حاضر را از نگاشته‌های دیگر ممتاز می‌سازد.

## صفه در لغت و اصطلاح

«صفه» در لغت به معنای سایه‌پوش (صفی پور، بی تا، ج ۱-۲، ص ۶۹۱)، سایه‌بان (ابن منظور، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ذیل واژه صفه) و ایوان مسقف (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۴۹۸) آمده است. از نظر اصطلاحی، «صفه» (به ضم صاد و تشدید فاء) به مکانی در کنار مسجد نبوی اطلاق می‌شود که به شکل سکو و دارای سقف بود. این مکان، محل سکونت برخی از صحابی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که فاقد منزل و قوم و خویشی در مدینه بودند و تعداد ساکنانش بر حسب ازدواج یا فوت و یا مسافرت در حال تغییر بود (سخاوی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۸).

«صفه» در لغت به معنای سایه‌بان و ایوان مسقف است و در اصطلاح، نام محلی است در کنار مسجد نبوی که تعدادی از صحابی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آنجا سکونت داشتند و به همین سبب، به آنها «اهل صفه» یا «اصحاب صفه» اطلاق می‌شود. این گروه از لحاظ مالی جزو صحابی تهیدست به شمار می‌آمدند، اما همراهی و ملازمت آنها با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سپس با حضرت علی علیه‌السلام در صحنه‌های مختلف، نشان از ایمان واقعی و طبع بلند ایشان دارد. در این اثر، ضمن آشنایی با اوضاع و احوال اهل صفه، به نقد و بررسی برخی از دیدگاه‌ها درباره این گروه نیز اشاره می‌شود.

بازشناسی نوع رفتار حکومت اسلامی با اقشار آسیب‌پذیر جامعه که در آن روز به صورت مهاجر به مرکز حاکمیت آمدند و در کنار مسجد نبوی سکنی گزیدند، از آن لحاظ دارای اهمیت است که حاکم اسلامی فرد معصومی است که کتاب الهی وی را به عنوان الگو و اسوه معرفی می‌نماید.

ویژگی‌ها و صفات اهل صفه از منظر آیات قرآن و گزاره‌های تاریخی چگونه تبیین شده است؟ این سؤال اصلی تحقیق مشتمل بر چند سؤال فرعی است:

- شکل‌گیری اهل صفه به چه صورتی بوده است؟
- نحوه زندگی و معیشت آنها در روایات چگونه ترسیم شده است؟
- چه آیاتی از قرآن درباره این گروه نازل شده است؟
- این تشکل از لحاظ جمعیتی از چه تعدادی شکل یافته بودند؟

بیشتر اهل صفه از نظر مالی جزو تهیدستان به شمار می‌آمدند. این گروه به لحاظ تعلق خاص به انجام عبادات،

### چگونگی شکل‌گیری اهل صفة

روایت آمده است که اصحاب تعدادی را به منزل خود بردند و خود حضرت ده نفر را میهمان کرد (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۱۰۳).

واقدی از واقدبن ابویاسر تمیمی درباره اهل صفة می‌گوید: ایشان گروهی از یاران رسول خدا ﷺ بودند که از نظر مالی وضعیت مناسبی نداشتند و شب هنگام در مسجد مدینه می‌خوابیدند و روز خود را نیز در همان جا سپری می‌کردند؛ رسول خدا ﷺ در هنگام صرف غذا، گروهی را به همراه خود برای تناول طعام می‌برد و گروه دیگر را به برخی از یاران خود می‌سپرد (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۳۹؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۸۰؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۷۱).

همچنین کرامتی از رسول خدا ﷺ درباره اهل صفة به شرح ذیل روایت شده است. این حدیث را واقدی به نقل از یکی از افراد اهل صفة بیان می‌کند: پیامبر شبی بیرون آمد و فرمود: یاران را فراخوانید، و منظور آن حضرت اصحاب صفة بود... من یکی یکی ایشان را از خواب بیدار کردم و جمع شدیم و بر در خانه پیامبر آمدیم و اجازه ورود خواستیم. حضرت اجازه فرمود و کاسه بزرگی که در آن نوعی غذای ساخته شده از جو بود، پیش ما نهاد و دست بر آن کشید و فرمود: به نام خدا شروع به خوردن کنید. و ما هر اندازه که خواستیم خوردیم و چون سیر گشتیم، کنار کشیدیم. گوید: پیامبر چون کاسه را پیش ما نهاد فرمود: سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، در خانه ما خوراکی دیگر غیر آنچه می‌بینید، نیست. راوی گوید: به ابوهریره گفتم: هنگامی که همگی سیر شدید و از غذا خوردن دست کشیدید، چه اندازه باقی ماند؟ او گفت: به همان اندازه که آن را گذاشته بود و فقط اثر و نشانه انگشتان روی آن باقی بود (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۳).

درباره نحوه شکل‌گیری و تجمیع اهل صفة، روایتی از امام صادق علیه السلام در کافی نقل شده است. براساس این روایت، شخصی به نام جویر، که اهل یمامه بود، در مدینه خدمت حضرت رسید و اسلام آورد. ولی وضعیت مالی خوبی نداشت و از جا و مکان و قوم و خویشی در مدینه برخوردار نبود. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله به او کمک فراوانی کرد و اجازه داد شب‌ها در مسجد بخوابد. اوضاع به همین منوال می‌گذشت تا اینکه تعداد این‌گونه افراد که در مسجد سکونت می‌کردند در مدینه به فزونی گرایید. از این رو، خداوند به رسولش وحی فرستاد که ایشان نباید در مسجد بخوابند؛ پس پیامبر دستور فرمود که در کنار مسجد محلی را برای سکونت این گروه مهیا سازند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۴۰).

### اوضاع و احوال معیشتی اهل صفة

اهل صفة از لحاظ وضعیت اقتصادی در زمره افراد تهیدست به‌شمار می‌آمدند و این اوضاع به گونه‌ای بود که تمام جوانب زندگی آنها را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. ایشان، چه از نظر مسکن و چه از ناحیه خوراک و پوشاک، شرایط مطلوب و مساعدی نداشتند، گرچه این روند موقتی بود و بعد از مدتی با عنایت خداوند، صاحب زندگی و مسکن می‌شدند و محل سکونت اولیه خود را ترک می‌کردند. در چند روایت، به این ویژگی اهل صفة بیان شده است که در ذیل، به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

آن‌گونه که از روایات به دست می‌آید، وضعیت خوراکی و غذایی این گروه نیز به همین منوال بوده است و خود حضرت و یارانش در حد توان به اهل صفة کمک می‌کردند. رسول خدا ﷺ به یاران خود فرمود: هر کس در خانه غذای دو نفر را داشته باشد، سومی را ببرد و هر کس به اندازه چهار نفر غذا دارد، پنجمی را ببرد. در ادامه

### توجه خاص پیامبر اکرم ﷺ نسبت به اهل صفة

رسول خدا ﷺ وقتی اراده سفر می‌کردند، آخرین مکانی که می‌رفتند منزل حضرت زهراء (ع) بود و همین طور، اولین محلی که بعد از بازگشت از سفر به آنجا رهسپار می‌شدند بیت دختر گرامی‌شان بود. ایشان پس از مراجعت از سفری، مشاهده کردند که بر در خانه زهراء (ع) پرده گران‌قیمت نصب شده و حضرت فاطمه نیز دستبندی به دست دارند. پیامبر با دیدن این منظره ناراحت شده و بازگشتند. حضرت زهراء (ع) متوجه موضوع شده، پرده و دستبند را به حسنین سپرد تا آن را در اختیار پیامبر قرار دهند. بعد از آنکه پیامبر آنها را تحویل گرفتند، طلا را قطعه قطعه کرده و در اختیار اهل صفة قرار دادند و پارچه را نیز به یکی از آنها سپرد تا به اندازه لنگی بردارد و بقیه را به دیگری بدهد (طبرسی، ۱۳۸۰، ص ۹۴). این حکایت از توجه ویژه حضرت به اهالی صفة دارد که از بهترین مال به ایشان انفاق می‌کنند.

در روایتی، علی بن ابراهیم نقل می‌کند: کسی برای پیامبر ﷺ هدیه‌ای آورد و حضرت آن را در میان اهل صفة تقسیم نمود، اما به همه آنها نرسید. از این رو، پیامبر برای اینکه شک و تردیدی در دل تعدادی که هدیه به ایشان نرسیده بود به وجود نیاید، به سوی این افراد آمد و از آنها دلجویی کرد و عذرخواهی نمود و دلیل اینکه تعداد محدودی از ایشان را مورد لطف خویش قرار داده بود بیان فرمود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۵۰).

شیخ صدوق در *امالی* روایتی به این مضمون نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ در حال عبور از محلی، مردی را که مشغول کاشت نهال بود مشاهده کرد و به او فرمود: آیا دوست داری راهنمایی کنم تو را بر یک نوع کاشتی که اصل و ریشه آن ثابت‌ترین، بر آن سریع‌ترین، میوه آن بهترین و انفاق از آن پایدارترین باشد؟ عرضه داشت: بله

یا رسول‌الله. سپس حضرت دعایی به وی آموخت. در ادامه، مرد گفت: ای رسول خدا! این باغ صدقه است برای فقرا و مسلمانان؛ یعنی اهل صفة. در پی این ماجرا، خداوند آیه ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنِيَّ لَهُ لِيُسْرَى﴾ (بیل: ۷۵) را نازل کرد (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۰۳).

از روایت مذکور دو نکته به دست می‌آید: اول آنکه مسئله انفاق در دین مبین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و دوم آنکه نوع افرادی که متعلق انفاق قرار می‌گیرند نیز سهم عمده‌ای در ارزشمندتر کردن آن دارد.

### شان نزول آیه ۲۷۳ «بقره»

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾؛ صدقات برای آن تهیدستانی است که در راه خدا محصور شده‌اند و نمی‌توانند برای کسب درآمد در زمین سیر و سفر کنند. چون خویشتن دارند و فقر خود را آشکار نمی‌کنند، کسی که از حالشان بی‌خبر است آنان را توانگر می‌پندارد و تو از نشانشان، بینوایی آنان را درمی‌یابی. آنان با وجود نیازمندی شدید، به اصرار از مردم چیزی نمی‌خواهند. ای مؤمنان! هر مالی که انفاق کنید خدا به آن داناست.

شیخ طوسی در *تفسیر الثبیان* (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۵) و *مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان* (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۳-۴، ص ۷۵) ضمن نقل روایتی از امام باقر (ع)، بیان می‌کنند که این آیه شریفه درباره اهل صفة نازل گشته است.

فخر رازی در تفسیرش معتقد است که آیه مذکور درباره فقراء مهاجران که چهارصد نفر بودند نازل شده؛

ثروتمندان قریش قابل هضم نبود؛ ازاین‌رو، به پیامبر عرضه داشتند که اگر می‌خواهی ما بزرگان و ثروتمندان در مجلس شما حضور یابیم باید این افراد فقیر را از خود برانی، و با آنها نشست و برخاست نداشته باشی، و حضرت نیز پس از نزول ﴿أَهْوَاءَ مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ (انعام: ۵۳)، به درخواست این قریشیان پاسخ منفی داد و اصحاب و یاران خود را از گرد خویش پراکنده ساخت و در همین باره است آیه ﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ﴾ (انعام: ۵۲) (ابن اسحاق، بی‌تا، باب ۱۵، نصف اول، ص ۳۸۵).

صاحب تفسیر قمی نیز به همین قول اعتقاد دارد و می‌گوید این آیات شریفه درباره اهل صفة نازل شده است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰۲).

### آیه ۲۷ شوری

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ (شوری: ۲۷)؛ و اگر خداوند روزی بندگان را وسیع کند در روی زمین ظلم و طغیان بسیار کنند، لیکن روزی خلق را به اندازه‌ای که بخواهد (و صلاح بداند) نازل می‌گرداند که خداوند به احوال بندگان آگاه است.

نظرات درباره مکی یا مدنی بودن سوره «شوری» مختلف است؛ برخی مانند قرطبی (۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۱) و علامه طباطبائی (۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۵) آن را مکی می‌دانند و تعدادی دیگر گرچه بر مکی بودن این سوره تصریح دارند، اما چند آیه از جمله همین آیه را مدنی می‌دانند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۰۸). اما برخی از مفسران بدون اشاره به مکی یا مدنی بودن این سوره، آیه مذکور را در شأن اهل صفة می‌دانند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج

یعنی همان اصحاب صفة که از لحاظ دارا بودن مسکن و عشیره در شهر مدینه در محرومیت به سر می‌بردند. سپس فخررازی چند ویژگی برای آنها مطرح می‌کند که اولین آن، همان ملازمت و سکونت در جوار مسجد نبوی است. وی فراگیری و تلاوت قرآن و روزه گرفتن و نیز خارج شدن برای جنگ و جهاد را از دیگر ویژگی‌های این گروه برمی‌شمرد (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۷۹).

صاحب تفسیر مراغی بیان می‌کند که گفته شده این آیه درباره اهل صفة نازل شده است. ایشان گرچه این شأن نزول را در حد یک قول آورده، اما از کلام بعدی ایشان فهمیده می‌شود که خود نیز همین را می‌پذیرد. وی می‌گوید: پس از نزول این آیه شریفه بود که مردم، اهل صفة را به مثابه اعضای خانواده خود به‌شمار می‌آوردند و تا سر حد امکان، در کمک به آنها دریغ نمی‌ورزیدند؛ چراکه آنان هم دارای ایمان بوده و هم جهادگر در راه خدا و هم دارای عزت نفس و بلندی طبع بودند، به‌گونه‌ای که افراد ناشناس، ایشان را ثروتمند و صاحب مکنّت می‌پنداشتند (مراغی، بی‌تا، ج ۳-۱، جزء سوم، ص ۵۱).

واقعی نیز در کتاب طبقات، اعتقاد بر آن دارد که این آیه شریفه درباره اهل صفة است و می‌گوید: این گروه در مدینه نه خانه‌ای برای خود داشتند و نه خویشاوندی، و خداوند مردم را به پرداخت صدقه به ایشان تحریض فرموده است (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۳۹).

### شأن نزول آیات ۵۲ تا ۵۴ سوره انعام

در سیره‌النبی، ابن اسحاق روایتی درباره اهل صفة بدین صورت نقل می‌کند که پیامبر ﷺ وقتی به مسجد می‌آمد، گروهی از درویشان از یاران ایشان مانند خباب بن الارت، عمار بن یاسر، ابو فکیه، صهیب و غیر اینها گرد ایشان حلقه می‌زدند. این مسئله برای تعدادی از مهتران و

ص ۹؛ رازی، ۱۴۰۸ق، ذیل آیه ۲۷ شوری).

صاحب اسباب نزول القرآن نیز بر این عقیده است که آیه ۲۷ سوره «شوری» درباره اهل صفة نازل شده است (واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۰).

### شناخته شدن این گروه با عنوان اهل (اصحاب) صفة

این گروه از صحابی پیامبر ﷺ در زمان صدر اسلام با عنوان «اصحاب صفة» در میان مردم شهرت داشتند، به گونه‌ای که وقتی عنوان اصحاب صفة در کلام پیامبر ﷺ و یا صحابی به کار می‌رفت، مردم و اطرافیان درباره صدق این عنوان بر گروه خاصی از یاران حضرت، سؤال نمی‌کردند و یا شبهه برایشان ایجاد نمی‌گردید که مراد از این عبارت چه کسانی است؟ این ادعا را روایات بسیاری از جمله روایت ذیل به اثبات می‌رساند: ابوعمیره رشید بن مالک می‌گوید: در حضور پیامبر نشسته بودیم، مردی سبدی خرما آورد. حضرت پرسید: این چیست، هدیه است یا صدقه؟ پاسخ داد: صدقه است. فرمود: آن را برای اصحاب صفة ببر (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۴).

### اهل صفة؛ ترکیبی از مهاجران و انصار

بحث دیگری که در ارتباط با اهل صفة مطرح است مسئله نحوه ترکیب جمعیتی این گروه از صحابی پیامبر ﷺ می‌باشد؛ به این بیان که آیا این افراد همگی از مهاجران تشکیل می‌شدند و یا اینکه کسانی از انصار نیز در میان این حلقه، وجود داشته است؟ جمعی از نویسندگان به طور صریح و مستقیم به این نکته اشاره نکرده‌اند و فقط تعداد و اسامی آنها را در آثارشان آورده‌اند و برخی دیگر معتقدند جمعیت ایشان فقط از مهاجران شکل یافته بود و احدی از انصار در میان آنها نبوده است (صالح، ۱۴۱۲ق،

ص ۷۹). اما به نظر می‌رسد دیدگاه صحیح آن است که اهل صفة متشکل از دو دسته مهاجر و انصار بودند. این نظر با تأملی بر اسامی اهل صفة که در منابع مختلف آمده، تقویت می‌شود. برای نمونه، می‌توان از ابولبابه انصاری (سخاوی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۱۵) و سعد بن معاذ (محامی، ۱۴۲۳ق، ص ۴-۶) در میان این گروه نام برد که هر دوی آنها از انصار و اهل مدینه بودند.

### تعداد اهل صفة

با در نظر گرفتن اوضاع و شرایط اهل صفة، نمی‌توان رقم دقیق و ثابتی برای این گروه در نظر گرفت؛ زیرا صفة، مکان موقتی برای سکونت برخی از اصحاب رسول خدا ﷺ بود که در صورت تغییر وضعیت اقامت‌کنندگان، تعداد آن به فزونی یا قلت می‌گرایید؛ چراکه با خانه‌دار شدن و یا کسب مال و یا ازدواج، این گروه صفة را ترک می‌گفتند و همین‌طور کسانی که وارد شهر مدینه می‌شدند و قوم و خویشی در آنجا نداشتند و یا اینکه محلی برای اقامت نمی‌یافتند به این مکان پناه می‌بردند. از همین روست که نویسندگان و دانشمندان تعداد این گروه را با ارقام گوناگون بیان کرده‌اند. تعداد ایشان از ده نفر تا بیش از چهارصد نفر در منابع مربوطه مشاهده می‌شود (سهروردی، ۱۳۷۴، ص ۲۴؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۳۵۱، ج ۱ ص ۳۳۷-۳۸۵).

برخی از مفسران که به تناسب، ذیل آیه ۲۷۳ بقره نکاتی درباره اهل صفة ذکر کرده‌اند، به تعداد ایشان نیز اشاره می‌کنند و آنها را چهارصد نفر می‌دانند. از جمله قایلان این قول، مرحوم طبرسی (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۳ و ۴، ص ۷۵) و مصطفی (مراغی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۱) هستند.

البته در این زمینه روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که تعداد ایشان را چهارصد نفر می‌داند و در ادامه، آورده است

درباره سید بطحاء می‌زنید؟ این موضوع به گوش پیامبر رسید و ایشان در صدد انکار ابوبکر برآمد و به او گفت: ای ابوبکر! تو اهل صفة را ناراحت نکردی، بلکه خدا را ناراحت نمودی؛ از این رو، ابوبکر به سرعت نزد اهل صفة آمد و آنها را راضی کرد و از ایشان خواست تا برای او طلب بخشش کنند و آنها گفتند: غفر الله لك (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۹۶).

علاوه بر آنچه بیان شد، نکته دیگری نیز در این باب قابل ذکر است و آن دیدگاه بسیاری از مفسران درباره شأن نزول آیه ۲۷۳ سوره بقره (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۵؛ طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۳-۴، ص ۷۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۷۹؛ مراغی، بی تا، ج ۱-۳، جزء سوم، ص ۵۱؛ ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۳۹) است. این مفسران، آیه فوق را درباره اهل صفة می‌دانند که این مسئله، اثبات فضیلت را برای این گروه از صحابی پیامبر ﷺ سهل تر خواهد کرد.

### اسامی اهل صفة

در ذیل، به اسامی تعدادی از اهل صفة اشاره می‌شود:

۱. واثله بن اسقع: از صحابی پیامبر ﷺ است که در غزوه تبوک شرکت نمود. ایشان بعد از سکونت در مدینه، به شهر بصره مهاجرت کرد، سپس شام را برای سکونت خود برگزید. وی در شام شاهد فتح دمشق بود و همچنین جنگ میان دمشق و حمص را به عینه دید. در ادامه این مهاجرت‌ها، به سرزمین فلسطین نقل مکان کرد و در جوار بیت المقدس سکنا گزید و در سال ۸۳ هجری در سن ۱۰۵ سالگی (یا ۹۸ سالگی) در فلسطین (و یا دمشق) درگذشت (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۶۵۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۵۶۳).

۲. هند و اسماء فرزندان حارثه: هر دوی ایشان از شمار اصحاب صفة و در خدمت و ملازمت رسول

که پیامبر ایشان را در ایوان مسجد مدینه اسکان داده بود و پیوسته هر صبح و شام به دیدار آنان می‌رفت و به آنها سلام می‌کرد و احوال‌پرسی می‌نمود (ابن اسحاق، بی تا، باب ۱۵، نصف اول، ص ۳۸۵؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۰۲).

### فضیلت اهل صفة

با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و احوالات عبادی اهل صفة که در منابع با عناوینی همچون «افراد جهادگر و اهل قرآن و روزه» آمده، می‌توان برای صاحبان این خصلت‌ها فضیلتی در نظر گرفت؛ همان‌گونه که در روایات نیز این مطلب دیده می‌شود، برخلاف دیدگاه برخی از نویسندگان که منکر فضیلت برای این گروه شده‌اند (صالح، ۱۴۱۲ق، ص ۷۹). برای اثبات این مدعا می‌توان به روایتی که از پیامبر ﷺ درباره اهل صفة بیان شده اشاره کرد که حضرت در خطاب به این گروه فرمود: «ابشروا یا اصحاب الصفة فمن بقى امتى على النعت الذى انتم عليه راضياً بما فيه فانه من رفقایى» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۷۹؛ مراغی، بی تا، ج ۳، ص ۵۱)؛ ای اهل صفة! بشارت باد بر شما، که هر کس از امت من، باقی (دارا) باشد بر اوصاف و ویژگی‌های شما و قلباً نسبت به شما رضایت داشته باشد، جزء همراهان و رفیقان من خواهد بود.

با دقت در این روایت می‌توان گفت که دارا بودن اوصاف مذکور سبب همراهی رسول خدا ﷺ می‌شود، که خود نشانگر فضیلت خواهد بود و اهل صفة نیز چون این ویژگی‌ها را دارا بودند متصف به این وصف می‌شدند. در روایتی آمده است: روزی ابوسفیان بعد از مسلمان شدنش به همراه ابوبکر از کنار اهل صفة عبور می‌کردند. این گروه با دیدن ابوسفیان به علامت تعجب انگشت در دهان گرفتند و گفتند: چگونه است این دشمن خدا هنوز زنده است؟ ابوبکر از موضع اعتراض گفت: آیا این کلام را

- خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند. هند در زمان خلافت معاویه و در شهر مدینه درگذشت.
۳. العریاض بن ساریة السلمی: از اصحاب صفه بوده و دو نفر از صحابی به نام‌های ابورهم و ابوامامه از وی روایت نقل کرده‌اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۵۴۴).
۴. ربیعة بن کعب بن مالک: از اهل صفه و جزء ملازمان حضرت بوده است. پس از ماجرای حره، در سال ۶۳ هجری درگذشت (همان، ج ۲، ص ۴۹۳).
۵. سلمان فارسی؛
۶. عمار بن یاسر (سخاوی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱۵ و ۲۷۸)؛
۷. ابوذر غفاری؛
۸. مقداد بن اسود کندی؛
۹. ابودجانه سماک بن خرنه؛
۱۰. عبدالله بن جحش الازدی؛
۱۱. عبدالله بن عبدالمطلب؛
۱۲. خالد بن وهب نوفلی؛
۱۳. سعد بن معاذ انصاری (محامی، ۱۴۲۳ق، ص ۴-۶)؛
۱۴. سالم بن عبیدالاشجعی (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۶۶): از صحابی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است و از ایشان و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده است. وی در کنار امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در جنگ صفین حضور یافت و خالد بن عرفطه و تبیط بن شریط و ابومالک الاشجعی از وی روایت کرده‌اند (ابن العدیم، بی تا، ج ۹، ص ۴۱۵۲).
۱۵. طهفة الغفاری (همان، ص ۷۷۴)؛
۱۶. عبدالله بن طهفة الغفاری (همان، ج ۴، ص ۱۵۴۴)؛
- ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۴۵)؛
۱۷. ابولبابه انصاری؛
۱۸. ابو کبشه؛
۱۹. عبدالله بن عمر بن خطاب (سخاوی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۲۴۰)؛
۲۰. طلحة بن عمرو (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۷۲)؛
۲۱. عبدالرحمان بن عمرو (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۴۰)؛
۲۲. قیس بن طخفه (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۷)؛
۲۳. عبدالله بن مسعود: کنیه او «عبدالرحمن» است. او فردی بسیار قانع، متقی و سلیم و حافظ قرآن و جلیل القدر بود و به دو هجرت و نماز در قبلتین موفق شده است. در غزوات بدر، احد، خندق و دیگر غزوات، پیامبر را همراهی نمود (راغب اصفهانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۶).

### زمان اتمام این جریان

به نظر می‌رسد جریان اهل صفه و سکونت ایشان در جوار مسجد نبوی و زندگی خاصشان در آنجا، بعد از جنگ تبوک و پیش از واقعه حجة الوداع به اتمام رسیده باشد؛ چراکه یکی از عوامل اصلی ایجاد این جریان در مدینه، مهاجرت مسلمانان از مناطق مختلف به ویژه مکه به مدینه بود و موضوع هجرت (براساس روایات وارده در این زمینه) پس از فتح مکه منتفی شد و عوامل دیگر ایجاد این مسئله، یعنی نداشتن اهل و عیال و منزل در مدینه، نیز با گذشت زمان و کسب درآمد از طریق غنایم به دست آمده در جنگ‌ها، به تدریج از میان برداشته شد؛ از این رو، با از بین رفتن علل و عوامل به وجود آورنده این جریان پس از فتح مکه و غزوه تبوک، اهل صفه نیز حلقه اتصالی خود را از دست دادند (صالح، ۱۴۱۲ق، ص ۷۸-۷۳؛ سخاوی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶). گرچه در کتاب المنتظم، گزارشی مبنی بر دیدار هارون الرشید با گروهی تحت عنوان اهل صفه وجود دارد، اما اینکه آیا اینان همان اوصاف و ویژگی‌های اصحاب صفه صدر اسلام را دارا بودند، مطلب خاصی ارائه نشده است (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۰).



## نتیجه‌گیری

۱. عنوان اهل صفة بودن برای این گروه، قداست‌آفرین نبوده است، بلکه دارا بودن برخی از ویژگی‌های مثبت، سبب اعتنا و احترام رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام نسبت به ایشان گشته بود.
۲. این عزت و احترام برای گروه مذکور تا زمانی است که متصف به آن اوصاف باشند (همان‌گونه که در حدیث نبوی آمده بود)؛ از این رو، به محض از بین رفتن آن موارد، اعتنا و احترام ویژه نیز از میان خواهد رفت.
۳. فضیلت رفیق و همراه بودن با پیامبر ﷺ اختصاص به این گروه ندارد و قابل سرایت به افراد دیگر، حتی در زمان حاضر نیز هست.
۴. حاکمیت جامعه اسلامی نیز همانند حاکمیت در زمان صدر اسلام باید رفتاری مشابه و همسو با آن منش را در خود ایجاد نماید؛ البته بعد از مصداق‌یابی اهل صفة در زمان حاضر.

## منابع

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آية‌الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر، عزالدین، ۱۴۰۹ق، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالفکر.
- ابن اسحاق، بی‌تا، سیرة‌النبی یا سیرة رسول‌الله، ترجمه رفیع‌الدین همدانی، تصحیح اصغر مهدوی، تهران، بنیاد فرهنگی ایران.
- ابن‌العَدیم، کمال‌الدین عمر بن احمد، بی‌تا، بغیة‌الطلب فی تاریخ الحلب، بیروت، دارالفکر.
- ابن جوزی، ابی‌الفرج عبدالرحمان، ۱۴۱۲ق، المنتظم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن‌سعد، محمد، ۱۳۷۴، طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه.
- ، ۱۴۱۰ق، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، الاستیعاب فی معرفة الصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دارالجمیل.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۲ق، لسان‌العرب، بیروت، دارالفکر.
- اصفهانى، حافظ ابونعیم، ۱۳۵۱، حلیة‌الاولیا و طبقات‌الاصفیا، مصر، مکتبه الخانجی و مطبعة السعادة.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن‌الحسین، ۱۴۰۵ق، دلائل‌النسب و معرفة احوال صاحب‌الشریعه، تحقیق عبدالمعطی قلنجی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- خانجانی، قاسم، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، «صفه‌نشینان مسجد پیامبر ﷺ»، نامه تاریخ پژوهان، ش ۹ و ۸، ص ۸۲-۱۰۷.
- خیاطیان، قدرت‌الله، ۱۳۸۸، «اهل صفة در متون تاریخی و ادبی - عرفانی»، مجله دانشکده علوم انسانی سمنان ویژه ادیبان فارسی، ش ۲۸، ص ۶۷-۸۶.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، ج دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی‌تا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی.

زمخشري، محمود بن عمر، ١٤٠٧ق، **كشاف**، بيروت، دارالكتاب العربي.

سخاوي، محمد بن عبدالرحمن، ١٤١٥ق، **رجحان الكفه في بيان نبذة من اخبار اهل الصفه**، رياض، دارالسلف للنشر و التوزيع. سهورودي، شجاع الدين، ١٣٧٤، **عوارف المعارف**، ترجمه ابو منصور عبدالؤمن اصفهاني، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگي. سيوطي، جلال الدين، ١٤٠٤ق، **الدر المنثور**، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.

صالح، احمد الشامي، ١٤١٢ق، **اهل الصفه بعيدا عن الوهم و الخيال**، بيروت، دارالشاميه.

صدوق، محمد بن علي، ١٣٧٦، **الامالي**، تهران، كتابچي.

صفى پور، عبدالرحيم بن عبدالكريم، بي تا، **مستهل الادب في لغة العرب**، تهران، كتابخانه سنائي.

طبرسي، فضل بن حسن، ١٣٨٠، **تفسير مجمع البيان**، ترجمه علي كرمي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.

—، ١٤١٢ق، **مكارم الاخلاق**، قم، شريف الرضي.

طوسي، محمد بن حسن، بي تا، **التبيان في تفسير القرآن**، بيروت، دار احياء التراث العربي.

عسقلاني، ابن حجر، ١٤١٥ق، **الاصابة في تمييز الصحابه**، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و علي محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه.

فخر رازي، محمد بن عمر، ١٤٢٠ق، **التفسير الكبير**، بيروت، دار احياء التراث العربي.

قسي، علي بن ابراهيم، ١٣٦٧، **تفسير قسي**، چ چهارم، تهران، دارالكتاب.

كليني، محمد بن يعقوب، ١٤٠٧ق، **الكافي**، تحقيق علي اكبر غفاري و محمد آخوندي، تهران، دارالكتب الاسلاميه.

محامي، محمد احمد علي، ١٤٢٣ق، **معجم اعلام علويين**، بيروت، دارالحجة البيضاء.

مراغي، احمد مصطفى، بي تا، **تفسير مراغي**، بيروت، دار احياء التراث العربي.

مقرزي، احمد علي، ١٤٢٠ق، **امتاع الاسماع بما للنبي من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع**، تحقيق محمد عبدالحميد المنيسي، بيروت، دارالكتب العلميه.

واحدي، علي بن احمد، ١٤١١ق، **اسباب نزول القرآن**، بيروت، دارالكتب العلميه.